

عمده اقتصادی، در سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵، نشان می‌دهد:

خدمات		تولیدات صنعتی وساختمان		کشاورزی و استخراج معادن		نقاط
۱۳۴۵	سال ۱۳۳۵	۱۳۴۵	سال ۱۳۳۵	۱۳۴۵	سال ۱۳۳۵	
۲۷/۵	۲۳/۸	۲۵/۹	۱۹/۵	۴۶/۶	۵۶/۷	کل کشور
۵۴/۲	۵۱/۳	۳۷/۹	۳۱/۱	۷/۹	۱۲/۶	نقاط شهری
۱۱/۱	۱۱/۷	۱۸/۵	۱۲/۲	۷۰/۴	۷۶/۱	نقاط روستایی

در این جدول نیز، مقایسه بین درصد جمعیت شاغل در خدمات کشاورزی (که نباید با روستائیشان اشتباه کرد) به نسبت کل جمعیت فعال ذکر شده است. آمار راجع به ایران، متعلق به آخرین سرشماری رسمی انجام شده یعنی سرشماری سال ۱۳۴۵ است و آمار کشورهای خارجی مربوط به سال ۱۹۶۲ میلادی.

آلمان فدرال	٪۱۵	آرژانتین	٪۲۵
بلژیک	٪۱۰	ایالات متحده	٪۹
فرانسه	٪۲۶	هندوستان	٪۷۲
ایتالیا	٪۳۰	ایران	٪۴۵/۸
بریتانیای کبیر	٪۵		

سهم و اهمیت نسبی هر یک از این بخشها در اقتصاد ملی، بستگی به درصد محصول ملی تولید بوسیله آنها دارد.

جدول زیر، درصد سهم کشاورزی، صنایع و خدمات را در محصول ملی، در چند کشور صنعتی غرب، نشان می‌دهد:

نوع فعالیت	آلمان فدرال	ایالات متحده	فرانسه	ایتالیا	بریتانیای کبیر
کشاورزی	۸	۴	۱۰	۱۹	۲
صنایع	۵۱	۳۹	۴۸	۴۲	۴۷
خدمات	۲۱	۵۷	۴۲	۳۹	۴۹

سال ۱۳۴۵، در اقتصاد ملی ایران، سهم کشاورزی و دامپروری ۳/۲۴٪، صنایع و معادن ۲/۱۴٪، ساختمان ۶/۱٪، آب و برق ۱/۱٪، نفت سهم ایران ۱/۱۳٪ و سایر بخشها ۴۱/۲٪ بوده است.

از لحاظ تحلیل اقتصادی، باید گفت که سهم نسبی کشاورزی در تولید ملی، کمتر از درصد جمعیت شاغل در این بخش است. علت آن است که ارزش تولید سرانه یک کشاورز معمولاً کمتر از ارزش تولید سرانه یک کارگر صنعتی است. ولی نباید این وضع را حیناً تعبیر به تبدیلی کشاورزان کرد و یا پنداشت که آنها کمتر کار می‌کنند.

دو علت اساسی این وضع را توجیه می‌کنند: نخست آن که، ارزش محصول یک واحد تولیدی یا یک بخش از فعالیت، معمولاً ناشی از دو عامل است: یکی میزان سرمایه ثابت بکار رفته، دیگری نیروی انسانی. چون در کشاورزی، میزان سرمایه‌های ثابتی که بکار می‌رود کمتر از صنایع است، در نتیجه، ارزش سرانه نیز کمتر خواهد بود. دوم آن که، حتی با توجه به سرمایه و نیروی انسانی، ارزش محصولات کشاورزی، در مقام مقایسه با مصنوعات، بدایلی که بعداً تجزیه و تحلیل خواهد شد، کمتر است.

ولی بهر تقدیر، باید توجه داشت که در اقتصاد کنونی ایران، مانند بسیاری دیگر از کشورهای در حال توسعه که مرحله عقب‌ماندگی را پشت سر گذاشته اما هنوز از نظر اقتصادی در شمار جوامع صنعتی و پیشرفته درنیامده‌اند، کشاورزی مخصوصاً از نظر تعداد جمعیت شاغل، مقام خاصی دارد. با پیشرفت پدیده شهرگرایی که خود ناشی از علل و عوامل مختلف از جمله توسعه صنایع و فعالیتهای اقتصادی در قطبهای مختلف شهری است و نیز با گسترش کشاورزی ماشینی در روستاها که نیاز به نیروی انسانی کمتر و سرمایه بیشتری دارد، امید می‌رود که تعداد روستائینان و افراد شاغل در بخش کشاورزی و فعالیتهای وابسته، منظمأ و بتدریج کاهش یابد و در طی یک نسل، به درصدی مشابه کشورهای صنعتی برسد. بعلاوه، باید توجه داشت که با بسط و توسعه اقتصادیات مملکتی، کشاورزی ایران نیز بسرعت از حالت عقب‌ماندگی خارج خواهد شد و کشت و زرع عمقی، بر اساس استفاده بیشتر از ماشینها و کودهای شیمیایی و بطور کلی وسایل و ابزار نوین، جای کشت و زرع سطحی را با وسایل کم و در سطح وسیع خواهد گرفت، و این خود عاملی در انتقال جمعیت روستائین به شهرها خواهد بود. گذشته از این، چون بسیاری از صنایع مهم با بکار بردن تازه‌ترین روشهای صنعتی ایجاد می‌شوند و بطورکامل یا در بسیاری از قسمتها، ماشینهای تمام خود کار را مورد استفاده قرار می‌دهند، باید انتظار داشت که آهنگ و شکل انتقال جمعیت از بخش کشاورزی و معادن بسوی بخش صنایع و از بخش صنایع بطرف خدمات، با آنچه در سالهای پیش در شرایط نسبتاً مشابه در کشورهای صنعتی امروز دیده شده، تا حد زیادی متفاوت باشد؛ به این معنی که تعداد و درصد بیشتری از نفوس مستقیماً از بخش کشاورزی و فعالیتهای وابسته، به بخش خدمات انتقال یابند و ایران با سرعتی بیشتر، به یک ساختمان جمعیتی مشابه با کشورهای صنعتی، از نظر سهم افراد شاغل در فعالیتهای عمده، نایل شود.»<sup>۱</sup>



## تولیدات مهم بخش کشاورزی

«مهمترین محصول کشاورزی ایران گندم است. میزان تولید گندم در سال ۱۳۴۸ بالغ بر ۴،۲۰۰،۰۰۰ تن بوده است. در همین سال، میزان تولید جو ۱،۱۰۴،۰۰۰ تن و تولید برنج برابر یک میلیون تن

بوده است.

بمناسبت وسعت کشت دیمی، میزان بارندگی سالیانه و شرایط اقلیمی در حجم تولید گندم بسیار مؤثر است و با توجه به افزایش مصرف که هم ناشی از ارتقاء سطح زندگی و قوه خرید است و هم مولود افزایش جمعیت، در بسیاری از سالهای اخیر توسل به واردات گندم تنها راه چهران کمبود محصول به نسبت مقتضیات مصرف و مبارزه با گرایشهای صعودی قیمتها بوده است. اجرای طرحهای مهم سد سازی و آبیاری در شمال ایران، مخصوصاً در گیلان، ثبات بیشتری در میزان محصول برنج بوجود آورده اما هنوز قیمتهای داخلی، با وجود کیفیت مرغوب انواع برنج ایران، به نسبت نرخهای بین المللی، بالاست و مسلماً با افزایش بازده در هکتار و تأکید بیشتر در بهبود روشهای کشت و زرع، می توان در این زمینه، به پیشرفتهای سریعی نایل آمد. تولید چغندر قند کشور در سال ۱۳۴۸، برابر ۴،۴۳۰،۰۰۰ تن، و تولید نیشکر در همین سال بیش از ۸۰۰،۰۰۰ تن بوده است.

در سال ۱۳۴۸، میزان تولید برگ سبز چای برابر ۷۵۰،۰۰۰ تن بوده است.

طبق آمار بانک مرکزی ایران، در سال ۱۳۴۶، ارزش کل محصولات زراعی کشور برابر ۸۴،۲۳۹،۰۰۰،۰۰۰ ریال بوده است. برای روشنتر شدن سیر تحول تولیدات کشاورزی، تغییرات شاخص آن را از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶، باستناد آمار بانک مرکزی ایران، در جدول زیر ذکر می کنیم:

سال	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۶
به قیمت ثابت	۱۰۰	۱۰۱/۸	۱۰۴/۴	۱۱۲/۱	۱۱۶/۳	۱۲۵/۵

معرفی قدرت تولیدی بخش کشاورزی ایران، بدون اشاره ای شایسته به اهمیت تولیدات دامی، غیر مکفی خواهد بود.

در سالهای ۱۳۴۱ الی ۱۳۴۶، تولید محصولات دامی برابر ۴۰٪ کل تولیدات کشاورزی ایران بود. در سال ۱۳۴۳ بسبب شرایط نامساعد اقلیمی، در میزان تولید محصولات دامی کاهش پدید آمد، اما در سالهای دیگر آهنگ افزایش سالیانه میزان تولید بطور متوسط برابر ۲/۲٪ بوده است.

جدول زیر شاخص تغییر تولیدات دامی کشور را طی سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ نشان

می‌دهد:

سال	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۶
به قیمت جاری	۱۰۰	۹۸/۷	۱۱۶/۱	۱۱۸/۶	۱۲۳/۲	۱۳۵/۴
به قیمت ثابت	۱۰۰	۹۵/۷	۱۰۲/۰	۱۰۴/۲	۱۰۷/۵	۱۱۱/۳

با وجود این افزایش، وضع دامپروری و تولیدات دامی در حال حاضر، یکی از دشواریهای عمده بخش کشاورزی ایران بشمار می‌آید. افزایش تعداد نفوس از یک طرف و ارتقاء سطح زندگی و قوه خرید (که وضع کنونی ساختمان اجتماع ایرانی پیش از هر چیز به افزایش مصرف کلی مواد غذایی منتهی می‌شود) از طرف دیگر، باعث ازدیاد تقاضای مواد دامی شده و مرتباً بحرانهای کمبود این مواد، مخصوصاً گوشت که تا حدی ناشی از بی‌ترتیبیهای اداری و تا حدی نیز معلول فقد عرضه مکفی است، پدیدار می‌شود که مقامات مسؤول اداری و برنامه‌ریزان مکرراً وعده اتخاذ تدابیر کوتاه مدت و بلند مدت لازم جهت رفع این بحرانها و بهبود وضع را داده‌اند.

منابع تولید ایران از لحاظ ماهیگیری، تا امروز عملاً مورد بهره‌برداری اساسی واقع نشده؛ حال آن که تولیدات ماهی هم می‌تواند از عوامل اصلی تأمین غذای مکفی برای نفوس کشور و جوابگوی به تقاضای روزافزون در این مورد باشد و هم فعالیت‌های ماهیگیری موجب تجدید عمران و رونق و بازگشت حیات و فعالیت اقتصادی به سواحل خلیج فارس و احیاناً دریای عمان خواهد بود، که تقریباً دست نخورده مانده است. در سال ۱۳۴۷، ارزش محصولات شیلات شمال ایران معادل پانصد میلیون ریال بود که از این رقم چهارصد میلیون ریال آن مربوط به خاویار است که خود یک مبلغ مهم درآمد ارزی برای کشور بشمار می‌آید. در همین سال، ارزش محصولات ماهی جنوب بالغ بر ۳۱۰ میلیون و ۳۰۰ هزار ریال بوده است. حتی اگر ارقام مربوط به صید غیر رسمی را، که بخودی خود قابل توجه است اما در آمار نمی‌آید، به این دو قلم بیفزاییم، به رقمی که متناسب با امکانات وسیع کشور و مقتضیات مصرف باشد، نخواهیم رسید.<sup>۱</sup> شیلات: استعمار در حال رشد روسیه که از دوران قدرت پتر کبیر آغاز شده بود، با عهد نامه ترکمانچای تثبیت، و ایران از داشتن ناوگان نظامی در این دریا محروم گردید. با استقرار کاپیتولاسیون، فرصت مناسبی برای دولت روسیه و اتباع آن کشور فراهم گردید تا در امور داخلی



ایران مداخله کنند.

از شکست ترکمانچای (۱۸۲۸ میلادی) تا نخستین قرارداد لیانازوف (۱۸۷۶) حمله و تجاوز اقتصادی و سیاسی و نظامی روزافزون دو امپریالیسم تزاری و بریتانیا و رقابت آن دو، عناصر محیط و ارتجاعی را پیوسته به دو قطب روس و انگلیس جذب می کرد و عناصر مترقی و آزادخواه را به مبارزه و چاره جویی برمی انگیزخت.

الکساندر خودزکو، سرکنسول روسیه تزاری، در کتاب مرزهای گیلان، کمابیش به تجاوزات و مداخلات ناروای روسیه تزاری در امور داخلی ایران اشاره می کند و آشکارا می نویسد که پس از عهدنامه ترکمانچای، و عهدنامه های تحمیلی بعدی، پادشاه ایران از ایجاد بحریه نظامی در دریای خزر بی نصیب می شود. صیادان روسی در تمام فصول صید، در دهانه رودخانه هایی که در جنوب، به این دریا می ریزند، حاضر می شوند. اینها اطلاعاتشان درباره این سواحل پیش از اهالی محل قابل اطمینان است. سفاین جنگی و کشتیهای تجاری وابسته به روسیه، خواه به منظور حمایت از صیادان ماهی خاویار، خواه به عنوان دیگر، در این دریا رفت و آمد دارند. وقتی منافع سرشار ناشی از صید ماهی با جاذبه منافع تجاری گیلان و مازندران و استرآباد روسی آمیزد، روسیه را بنحو مقاومت ناپذیری، به تملک تمامی این منطقه ترغیب می کند. تمایل روسیه در دست نهادن بر این سواحل، در واقع عکس العمل طبیعی تسخیر پنجاب بوسیله دولت انگلستان و انضمام آن به قلمرو امپراتوری بریتانیا در سرزمین هند است.

به اعتبار چنین بحال اندیشی است که دولت روسیه، سالیانه، میلیونها روبل صرف نگهداری نیروی دریایی خود در حاهی طرخان می کند. به این ترتیب، روسان با در دست گرفتن شیلات ایران، به بسیاری از آرزوهای اقتصادی و سیاسی خود می رسیدند. نخست با ایجاد صیدگاهها در کرانه ایرانی دریای خزر با دست ساهیگیران و سرمایه داران روس، نفوذ خود را بصورت شبکه مهم پیوسته ای مستقر می ساختند.<sup>۱</sup>

چون قرآن (کتاب مذهبی ما) مصرف ماهیهای بدون فلس را برای مسلمانان حرام کرده است، صید این قبیل ماهیها به صیادان روسی واگذار شده بود، که هر سال به این سواحل می آمدند و صیدگاههایی در دهانه رودخانه گرگانرود، نوارود و بویژه سفیدرود، ایجاد می کردند. در دهانه رودخانه اخیر، صید ماهی خاویار، اهمیتی معادل سواحل شمالی دریای خزر کسب کرده است. صیادان روسی پس از تهیه خاویار و سریشم ماهی، کشتیهای خود را از فرآورده های صید زمستانی، انباشته می کردند و راهی حاجی طرخان می شدند پس از تجارت ابریشم، داد و ستد ماهی سفید، سودبخش ترین مشاغل گیلان است و بزرگترین رقم فعالیت عملی را به خود اختصاص داده است. یک هزار و صد ماهی سفید تازه، در محل به مبلغ ۳۶ فرانک فرانسه معادل سه تومان به فروش می رسد این ماهی را به حالت دودی دربی آوردند و یا در خمی که در سناهای ساحلی مدفون کرده اند، شور می کنند. یک هزار ماهی سفید شور به مبلغ بیست تا سی تومان فروخته می شد و هرگز هم بی مشتری نمی ماند.<sup>۲</sup> به این ترتیب، روسیه تزاری، چه از نظر

۱. الکساندر خودزکو، مرزهای گیلان. ترجمه سیروس سهامی، ص ۲۴-۲۳.

اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی، دریای خزر و ولایات پیرامون آن را جولانگاه فعالیت‌های گوناگون خود می‌شمرد. دوگامل وزیر مختار روس، در زندگی نامه خود بسال ۱۸۸۵ میلادی (۱۳۰۳ هجری)، می‌گوید: هنگام عزیمت به تهران، نیکلای یکم امپراتور روس، به وی گفت: «از کوشش بریتانیا برای دایر کردن کنسولگری در بندرهای خزر که کاری «ساجراجویانه» است غافل نباشید و این یک موضوعی است که شما هرگز نباید تسلیم شوید. اما بجز این یک مسأله، من آرزو مندم که شما با سفارت انگلیس روابطی بسیار نیکو داشته باشید.»<sup>۱</sup>

توجه انگلستان به افغانستان و کوشش پیگیر آن دولت برای کوتاه کردن دست ایران از هرات، را باید سنگربندی در مقابل روسیه به‌شمار آورد.

کشمکش ایران با روسیه تزاری مخصوصاً پس از عهدنامه ترکمانچای، فزونی گرفت و مداخلات ناروای روسیه و اتباع آن کشور به جایی رسید که مردی چون حاجی میرزا آقاسی را به اعتراض برانگیخت. وی خطاب به سفارت روس، نوشت: «چون به عرض اولیای دولت جاوید مدت قاهره رسید که در سواحل بحر خزر، که متعلق به این دولت علیه است، حکام بدون اذن دولت، بعضی از شیلات ماهیگیری را به اجاره داده‌اند. لهذا فرمان قضا جریان، عز نفاذ یافت که هر اجاره که بی‌رخصت مخصوص دولت علیه منعقد شده باشد، باطل است... نظر به این که احتمال می‌رفت که بعضی از رعایای دولت علیه روسیه خواسته باشند بعضی از شیلات را اجاره نمایند، استحضار آن جناب از مدلول حکم محکم شاهنشاهی، لازم نمود که آنها را اخبار نمایند. زیاده چه تصدیع دهد. تحریراً فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۵۲»<sup>۲</sup>

حتی میرزا آقاسی، برای نجات از مداخلات روسیه و اتباعش، همه شیلات ایران را، از محمدشاه اجاره کرد، و به دریا بیگی اجاره داد، تا طالبان شیلات از وی اجاره کنند؛ ولی این تدابیر، از تجاوزات و شلتاقها و زورگوییهای عمال روسیه تزاری نکاست. سفارت روسیه به نامه‌های مکرر «حاجی» جوابهای سفسطه‌آمیز می‌داد، و با اعمال فشار و زور، برای اتباع روسیه، امتیازات سودمندی کسب می‌کرد. به قول دکتور وثوق زمانی، پس از نامه‌های مکرر بی‌حاصل، «کار صدراعظم ناتوان و نادان، به التماس و چیزی همانند گدایی کشید. در هر نامه، پیاپی می‌نوشت: «هل جزاء الاحسان الا الاحسان؟ اما بهره‌ای نمی‌برد... سرانجام میرزا آقاسی به زانو درآمد و به آخرین سنگر عقب نشست و بعلت ضعف و بیچارگی، از آرزوی ملی کردن شیلات و کوتاه ساختن دست تزاریان چشم پوشید و نوشت: «ما کام شیرین دوست را برای شتی آب شور تلخ نمی‌کنیم»<sup>۳</sup>. و شیلات ایران را در دریای خزر یکجا، به عبدل ناسی از اتباع روسیه تزاری به‌سالی ۶ هزاروپانصد تومان اجاره داد.<sup>۴</sup> روسیه تزاری، این شکل استثمار متمرکز را که سود بیشتر و رنج کمتر داشت، بخوبی پذیرفت. با سرگ محمدشاه و فرار حاجی میرزا آقاسی و روی کار آمدن امیرکبیر، کار شیلات صورت دیگری گرفت.

۱. ای. اد. سیمویچ، خاطرات وزیر مختار، ص ۹.

۲. ابراهیم تیموری، عصر بیخبری یا تاریخ امتیازات در ایران، ص ۲۸۷ (به اختصار).

۳. وثوق زمانی، «رسالة پایان نامه دکتوری» قبل از انتشار.

۴. دکتور امیرکبیر و ایران، ص ۳۱۰-۳۰۹.



امیر که منتظر فرصت مناسبی برای تأمین منافع ایران بود، چون دید میر ابراهیم مستأجر شیلات به‌اتکاء روسیه از پرداخت اجاره‌بهای شیلات، سرباز می‌زند، اجاره را فسخ و در سال ۱۲۶۷ قمری، با میرزا اسماعیل خان و محمدولی بیگ قرارداد را از نو منعقد کرد و اجاره‌بهای شیلات را به‌سالی ۲۰ هزار تومان ترقی داد، و این جریان را بکار دار ایران در هشت‌رخان نوشت و در پایان تأکید کرد که «... امر ومقرر می‌فرماییم که من بعد، عالیجاهان‌مشارالیهما را مباشر شیلات دانسته، هر گونه مهمی به‌آن عالیجاه اظهار نمایند لازمه تقویت را بعمل آورده کوتاهی ننمایند و در عهده شناسند»<sup>۱</sup>.

کار شیلات با سرگ امیر کبیر و روی کار آمدن میرزا آقاخان نوری، رو به‌پیشانی نهاد. در نتیجه ضعف حکومت مرکزی، بهره‌برداری کافی از شیلات ممکن نبود. دولت نمی‌توانست از تجاوز ماهیگیران و کشتیهای روس جلوگیری کند، در نتیجه درآمد دولت نه‌تنها از زمان امیر کبیر بلکه از عهد حاجی میرزا آقاسی هم کمتر شده بود.

اگر چه از ۱۲۷۰ قمری، شیلات بظاهر، با واسطه، در دست میرزا ابراهیم‌خان دریابیکی بود، اما اتباع تزاری در زمان وی، قطعه قطعه، از شیلات بهره‌برداری می‌کردند و وجه ناچیزی به‌او می‌دادند. کاهش درآمد دولت، افزایش هزینه‌ها، بی‌بندوباری و نادرستی و بی‌کفایتی زمامداران، کار را به‌جایی رسانید که سرانجام، شاه و سپهسالار با اجاره دادن سراسر شیلات، به‌یک تن از اتباع روس رضایت دادند.

پس از چندی ناصرالدین‌شاه، شیلات را به‌کاسران میرزا، نایب‌السلطنه، یکی از پسران خود، واگذار کرد و وی با روسها کنار آمد و با افزودن ۶ هزار تومان به‌اجاره‌بهای سالانه، برای شش سال دیگر، امتیاز را تمدید کرد. پس از گذشتن سه سال، در زمان اتابک، میزان اجاره را اندکی افزودند و برای مدت ۲۰ سال، اجاره را با لیانازوف تمدید کردند. در عهد مظفرالدین شاه نیز بعلت درماندگی دولت، روسها همچنان به‌مظالم خود ادامه می‌دادند.

در دوره صفویه، بازرگانی ایران با روسیه بیش از بازرگانی ایران با کشورهای دیگر بوده است در دوره قاجاریان نیز مناسبات بازرگانی ایران با روسیه بر دیگر کشورها فزونی داشته است بطوری که هفت هشتم بازرگانی ایران با روسیه و انگلستان بود، و از این هفت قسمت، هم ۵/۴ قسمت با روس و بقیه با انگلیس بود.<sup>۲</sup>

### بازرگانی ایرانیان در عهد قاجاریه

البته روسها بیشتر فرآورده‌های ایران را می‌خریدند و بیشتر نیازهای اقتصادی ایران را برمی‌آوردند و این حسن مناسبات چند سبب داشت: نخست آنکه روسیه با ایران همسایه بود و ایران می‌توانست نیازمندیهای اقتصادی خود را از این کشور زودتر، ارزانتر و آسانتر از جاهای دیگر بدست آورد؛ از طرف دیگر، چون راه عبور بسیاری از کالاهای خارجی از روسیه بود و روسها با اشکالاتریشیهای گوناگون مانع عبور کالای دیگر از کشور خود می‌شدند، به این ترتیب، کالاهای روسی مخصوصاً قند و قماش و بلور و جز اینها به ایران می‌رسید و در مقابل، روسها خریدار

۱. همان، ص ۲۱۱.

۲. گنج شایگان، پیشین، ص ۹.

همه نوع فرآورده و کالای ایرانی بودند بطوریکه موازنه نسبی بین واردات و صادرات دو کشور برقرار می‌شد؛ در حالی که دیگر کشورهای خارجی همواره سعی می‌کردند بر واردات خود به ایران بیفزایند؛ چنانکه واردات ایران از بریتانیا و هند، پنج برابر صادراتش به آن کشورها بود.<sup>۱</sup> راههایی که تهران را به مراکزهای بازرگانی سی‌پیوست از اینقرار بود:

۱. راه خلیج فارس - بوشهر - شیراز - اصفهان - تهران
۲. راه بغداد - کرمانشاه - تهران
۳. راه ترابوزان - تبریز - تهران
۴. راه باتوم - تفلیس - ایروان - تبریز - تهران
۵. راه دریای خزر - باکو - بندر پهلوی - رشت - تهران
۶. راه کراسنودسک - عشق‌آباد - مشهد

از این شش راه، سه راه نخستین، برخلاف راههای دیگر، طولانی، دشوار و پرهزینه بود. همین عوامل به نفع مناسبات بازرگانی ایران با روسیه سامان می‌گرفت.

از مدتها پیش، بین دو دولت متجاوز انگلستان و روسیه تزاری، بر سر چگونگی تجاوز به ممالک خاورمیانه، اختلاف بود. پس از شکست روسیه از ژاپن، روسیه تزاری برای آنکه بتواند در برابر حریف تازه نفس خویش آلمان پایداری کند، بر آن شد که به اختلافات خود با انگلستان، بر سر چین و منچوری و راه آهن آن و به تعارضی که با آن کشور درباره ایران و افغانستان و تبت داشتند، پایان دهد.

«مذاکرات در اوت ۱۹۰۷ به نتیجه رسید و بموجب این قرارداد، ایران به سه منطقه نفوذ تجزیه گشت:

۱. منطقه نفوذ روسیه در شمال ایران به خطی محدود می‌شد که از قصر شیرین و اصفهان و یزد و ذوالفقار می‌گذشت.
۲. منطقه نفوذ انگلیس در جنوب به خطی منتهی می‌شد که از بندرعباس به کرمان و بیرجند می‌پیوست.
۳. میان این دو منطقه، ناحیه‌ای بیطرف اعلام شد و هر دو طرف مجاز به تحصیل امتیاز در آن بودند.

منطقه نفوذ انگلیس، بیشتر جنبه نظامی داشت و برای حفظ راههایی بود که به افغانستان و بلوچستان می‌رسید، اما منطقه نفوذ روسیه قسمت آباد و حاصلخیز و پر جمعیت ایران را شامل می‌شد. میان این دو منطقه، میدان رقابت دو دولت باقی ماند. به این ترتیب، روسیه و انگلیس، ایران و افغانستان و تبت را میان خود تقسیم کردند تا بتوانند خود را برای جنگ با آلمان حاضر کنند.<sup>۲</sup>

در فصل چهارم همین قرارداد، به مطالبات مالی دو دولت توجه شده است: «واضح است که عایدات گمرکات ایران غیر از گمرکات فارس و خلیج فارس، که محل تأدیة اصل و فرع

۱. رک: همان، ص ۹.

۲. قرارداد ۱۹۰۷ بین روس و انگلیس (جامع به ایران). ترجمه ملی وحید مازندرانی، ص ۷۶.



فروش می‌باشد که دولت ایران از بانک استقراضی و رهنی ایران تا تاریخ امضای این قرارداد نموده است، کماکان به همان مصرف خواهد رسید. عایدات گمرکات ایران در خلیج فارس و عایدات سید ماهی ایران در کناره بحر خزر، که متعلق به ایران است، و همچنین عایدات پست و تلگراف، کمافی‌السابق، به مصرف استقراضی خواهد رسید که دولت ایران از بانک شاهنشاهی تا تاریخ امضای این قرارداد نموده است.»<sup>۱</sup>

تفلیم این قرارداد، موجب خشم و ناراحتی آزادیخواهان گردید. دیگر، مشروطه‌خواهان نمی‌توانستند برای اجرای نقشه‌های خود، از تضاد و اختلاف دو دولت استعماری بهره‌برداری کنند. دولت ضعیف و فاسد ایران، نخست، خود را با مفاد قرارداد آشنا نمی‌ساخت.<sup>۲</sup> در حالی که دو قدرت بزرگ در مقام تجزیه کامل و بهره‌برداری از منابع ایران بودند، سرانجام انقلاب کبیرا کتبر بوقوع پیوست و دولت شوروی به انتشار مدارک سیاسی سری، از جمله عهدنامه ۲۸ مه ۱۹۱۵، بین روس و انگلیس اقدام نمود و به جهانیان نشان داد که دو دولت متجاوز، چگونه استقلال و منافع ایران و عثمانی و دیگر کشورهای ضعیف خاورمیانه را نادیده گرفته و تصمیم گرفته بودند که روسیه تزاری، قسطنطنیه و تنگه‌ها را تصرف کند و بریتانیا در عوض، همه ناحیه بیطرف را به منطقه نفوذ خود بیفزاید و روسیه نیز در مناطق شمالی آزادی مطلق یابد.

کمیسر ملی خارجه اتحاد شوروی در ۱۴ یانوار (ژانویه) ۱۹۱۸، به سفارت ایران در پاریس، نوشت: «اعلان می‌نماید که قرارداد انگلیس و روس در ۱۹۰۷، نظر به این که ناقض آزادی و استقلال ملت ایران بوده است، یکباره و الی‌الابد ملغی است. شورای کمیته‌های ملت نیز اعلان می‌نماید که تمام قراردادهای مقدم بر قرارداد مذکور که حقوق ملت ایران را نسبت به موجودیت آزاد و مستقل خود بهر مناسبتی که باشد محدود یا تقلیل دهد، ملغی و از درجه اعتبار ساقط است.»<sup>۳</sup>

ایران نیز در یادداشت ۳۱ ژانویه ۱۹۱۸، از تصمیم و نظر دولت شوروی ستایش کرد. گمرک: یعنی دریافت وجهی از کالاها و مال التجاره‌های خارجی، هنگام ورود به کشور، از دیرباز در ایران معمول بوده. در دوره صفویه، مخصوصاً از زمان شاه سلیمان (۱۰۸۵ هجری قمری) که پادشاهی نالایق بود، گمرک به اجاره داده شد و این وضع، تا ورود راینان و کارشناسان بلژیکی به ایران ادامه یافت. در سال ۱۲۷۷ شمسی، اجاره گمرک لغو گردید... درآمد گمرک که در سال ۱۲۷۷ ده میلیون ریال بود، ده سال بعد، به ۴۷ میلیون ریال رسید.»<sup>۴</sup>

در عهدنامه تجارتي ضمیمه عهدنامه ترکمنچای، مقرر شد که ایران و روسیه از واردات و صادرات هرگونه کالا فقط پنج درصد، حقوق گمرکی بگیرند. سپس طبق اصل تساوی ملل کاملاً الوداد، این تعرفه درباره همه کشورهای بزرگ معجزی گشت اما مستأجران گمرک از

۱. همان، ص ۲۸.

۲. دلا، ابراهیم، انقلاب مشروطیت ایران، ص ۶۷.

۳. مجموعه قراردادهای (جزء شماره ۲، قراردادهای ایران و شوروی) ص ۹۳.

۴. علی‌اکبر دهمند، لغت‌نامه، ماده «گمرک» (جزء ۷۷، ص ۴۱۹).

بازرگانان ایرانی با نامهای گوناگون، مانند خانات و باج و راه، قیانداری و میدانداری و جز آنها پولهای دیگری می‌گرفتند که سبب رنجش خلق و گرانی کالاها می‌شد.

توجه جدی به وضع گمرک، در دوران صدارت امین الدوله (در عهد مظفرالدین‌شاه) آغاز شد؛ ملک‌الشعراى بهار در این بیت از نفوذ بعضی از آثار تمدن غرب در ایران یاد می‌کند:

تلگراف اندر زمان ناصرالدین شد درست پس مظفرشاه، گمرک را نمود اصلاح و پست در نتیجه مساعی امین‌الدوله، سه تن بلژیکی، بریاست «نوز»، به ایران آمدند که زیر نظر

صدراعظم، به کارگمرک ایران سروسامانی بخشند. «نوز» نخست تحت عنوان «مدیرکل گمرکات» انجام وظیفه می‌کرد ولی «هنگامی که شاه آهنگ اروپا داشت، به دست‌آویز آن که صدراعظم

همراه او خواهد رفت «نوز» را وزیرکل گمرکات گردانیدند و یکباره در کارهایش خودسر ساختند.»<sup>۱</sup>

نوز که ظاهراً از یک کشور بیطرف اروپایی برای اصلاح گمرک ایران آمده بود، چون وضع آشفته ایران را دید، طوق بندگی روسیه تزاری را به گردن افکند و به قول جمالزاده، «در بدحسابی

و بیحسابی، هیچ فروگذار نمود ولی باز باید شالوده نظام و اداره گمرکات حالیه ایران را از او دانست.»<sup>۲</sup>

نوز بلژیکی که نماینده یک کشور بیطرف بود، بجای جانبداری از منافع ایران، به پیروی از سیاست امین‌السلطان، در اکتبر ۱۹۰۱ قراردادی با روسیه منعقد کرد و ۳۴ قلم از واردات که

چند قلم آن هم از واردات عمده محسوب می‌شود، از ادای حقوق گمرکی معاف گردید. و از دیگر کالاها حقوق گمرکی ناچیزی می‌گرفتند، در نتیجه، به فعالیتهای تولیدی ایران لطمه بزرگی

رسید و بسیاری از کارگاههای پارچه‌بافی و دیگر مؤسسات تولیدی در نتیجه رقابت دول خارجی تعطیل گردید.<sup>۳</sup>

عوارض گمرکی نفت و قند، از پنج درصد به ترتیب به ۱/۵ و ۲/۵ درصد کاهش یافت، اما بر عوارض گمرکی چای صددرصد افزودند. ولی انگلیسیها نیز از تأمین منافع خود غافل

نبودند و قراردادگمرکی همسانی به سود خود، با دولت ایران تنظیم کردند. نوز در عین حال که منافع ملی ایران را به نفع اچانب نادیده می‌گرفت، دزدی نابکار بود؛ بهمین علت، پس از استقرار

مشروطیت، آزادیخواهان در ۲۱ بهمن ۱۲۸۵ وی را برکنار کردند و معاونش سرنار که در دزدی دست کمی از همکاریش نداشت بر مسند او نشست.

«درآمدگمرکی ایران درگرو وامهای ایران از روسیه تزاری و بریتانیا بود و تحمیلهای سخت دیگر، مانند هزینه قزاقخانه و مقرری محمدعلی‌شاه مخلوع، از این محل تأمین می‌شد، بطوری که تنها یک سوم درآمدگمرک به دولت ایران می‌رسید.»<sup>۴</sup>

۱. احمدکسروی، تاریخ مشروطه ایران. ص ۲۹.

۲. گنج شایگان. پیشین، ص ۱۴۱.

۳. عصر بیخبری یا تاریخ امتیازات در ایران. پیشین، ص ۴۰۴.

۴. گنج شایگان. پیشین، ص ۱۲۲.



وضع مالی و اقتصادی کشور  
 در کتاب اسناد نویافته، گردآوری آقای ابراهیم صفائی، با مطالعه گزارش میرزا حسین خان گرانمایه و گزارش حاجی میرزا جواد مجتهد روحانی نامدار شهر تبریز، می‌توان به وضع مالی و اقتصادی کشور در عهد ناصرالدین شاه، پی برد.

گرانمایه با آنکه فرستاده دربار و مأمور رسمی دولت ناصری است، در ضمن گزارش خود، صریحاً می‌گوید: «حکام نواحی حکومت مطلقه دارند، به هرگونه تاخت و تاز قادرند. در هر گوشه و کنار در قتل و غارت جسارت دارند.»<sup>۱</sup>

در همان ایام، صاحب‌دیوان پیشکار و حکمران آذربایجان، بازار قیصریه‌ای ساخت و کاسبان را با زور به آنجا منتقل کرد و دادوستدها با دخالت گماشتگان او انجام می‌گرفت، و تجاوز و اجحاف در خرید و فروش بحد وحشتناکی بالا گرفته بود. «جمعی از قراجه‌داغیها در همان اثناء به دیوانخانه آمدند که بار زغالی که ۳۰ من است، قپانداران به ۱۸ من تصاحب نموده‌اند و ده من روغن را به هشت من برداشته‌اند. فی‌الغور، فرستادم آوردند کشیدند، مشخص شد که در یک بار زغال، هفت من و در ده من روغن، دویس من تقلب کرده است. همان قپاندار متقلب گریخته متحصن شد... مردم مایوسانه، بازار را بسته، سه دفعه هجوم به سید حمزه بردند. جناب حاجی میرزا جواد مجتهد، آدم فرستاد که بعد از ورود موکب مسعود، چاره‌جویی خواهد شد. آدم مجتهد را تعرض کرده بیرون کردند که شما علما و اعیان آذوقه خود را از هر جا که می‌خواهید بزرگشیده می‌برید، وقتی که به‌ما می‌رسد، نوید چاره‌جویی «نسیه» می‌دهید... عموم کسبه و عجزه از این سوء معامله و سرهم‌بندی، بسته آمده، علی‌الغفله هیچانی نمودند. محققاً از علما و اعیان و معارف احدی محرك این شورش نبود ولی از بس که وضع حکومت مغشوش بود... روح تبریز مایل انقلابی بود.»<sup>۲</sup> هر سال از روی تحقیق و تخمین، یک کرور علاوه بر مالیات، از رعیت آذربایجان دریافت و در میان حکام و اجزای حکام و مأمورین مختلفه و صاحب‌منصبان نظام و مباشرین و عمال و کدخدایان معدوم‌الاثرا [می‌شود]، و رعیت بیچاره آذربایجان متحمل چندین گونه تحمیلات مختلفه و معدوده فوق‌الطاقه می‌باشد که جای تألم و ترحم است.

یکی از این تحمیلات، تقلباتی است که صاحب‌منصبان در بنیچه صحیح و موافق قاعده سرباز بکار برده‌اند... هنگامی که فوج را به سفر، اخبار نموده‌اند، مانند بچه‌های شلتاقچی ایستادگی کرده‌اند تا نفری از بیست و پنج تومان الی سی چهل تومان وجه پادارانه گرفته سفری شده‌اند... تقلب دیگر صاحب‌منصب این است که هنگام احضار به سفر، از هر سربازی که صاحب بضاعت و بیگ‌زاده و کدخدازاده است، رشوت گرفته، از سفر معاف، و عوض آنها با اجرت جزئی از آدمیان بیکار و بیمار گرفته به سفر می‌فرستند که تفنگ به دست گرفتن را نمی‌دانند.»<sup>۳</sup>

از جمله تحمیلات فوق طاق و رعیت یکی دیگر نیز مطالبه مالیات بیموقع است. «ملاحظه فرمائید در آخر سال که منتهای تنگدستی رعیت است، در حواله پانصد تومان، دو هزار پانصد

۱. اسناد نویافته. گردآوری ابراهیم صفائی، ص ۹۱.

۲. همان. ص ۱۴-۱۳ (به‌اختصار).

۳. همان. ص ۲۲-۲۱ (به‌اختصار).

تومان، علاوه تحمیل رعیت گردید. واضح است رعیت بیچاره غیر از این که احشام و اغنام و مخلفات خانواده را بفروشد دیگر چه چاره خواهد داشت، و البته حکام جزو نیز در چنین مواقع برای خود دست‌وپایی خواهند نمود، مباشر و کدخدایان نیز حصه خواهند برد.<sup>۱</sup> «برات‌داران هجوم دارند و محصلین (مأموران وصول مالیات) گداوگرسنه سبع وار مأمور، و رعیت بیچاره بقدر مالیات اصل، خدمتانه و مهلتانه و مراحه استقراض و سلم‌فروشی؛ البته متضرر می‌شود.»<sup>۲</sup>

«از جمله تحمیلات، یکی نیز تسعیر غله دیوانی است. بعد از آن که مالیات نقد، کافی برای مخارج و مواجب فوری نگردید، ناچار شروع به تسعیر غله دیوانی می‌شود و از این راه نیز بارگرانی بر دوش رعیت تحمیل می‌گردد.»<sup>۳</sup>

از جمله تحمیلات فوق طاق رعیت، یکی دیگر نیز شلتاق بافی محل است. حکام بی‌انصاف، حتی حاکم مستقل و مسلط که تا آخر سال نیز حاکم بوده است، همینکه معزول گردند، بدلخواه خود، باقی در محل قلمداد می‌نمایند حاکم جدید بجهت مطالبه بقایا، محصل (مأمور) تعیین...<sup>۴</sup> و به‌دوشیدن رعیت مشغول می‌شوند. سپس تنظیم‌کننده گزارش می‌گوید: «خداگواه است که در هیچ عهد و عصر، قشون دشمن به ملک طاغی اینقدر صدمه زده است که از حکومت... به رعیت ستم‌دیده (سیده) است. قتل نفوس و هتک ناموس و غارت‌های بیباکانه که به‌تعداد نمی‌آید، بر کنفار، سالی دوسه دفعه بجهت خودچرانی، حرکت، و ده به ده می‌گردد با دویست سوار و هر ده یک شب توقف بفرماید کافی است. در عبور سوکب مسعود، قدغن مؤکد شده بود که هر کس عریضه به‌حضور مبارک بدهد، خانه‌اش یک‌جا غارت خواهد شد و الا - عارضین خاک‌پای مبارک بشمار می‌شدند.»<sup>۵</sup>

در ایام قحطی، امیر نظام، پیشکار آذربایجان، با کسب اجازه از شاه، شروع به اقدام می‌کند. ولی به‌او تأکید شده بود که فلانی و فلانی را ندیده بگیرد، و «اتفاقاً بزرگترین انبارها در اختیار همان فلانی و فلانی بود... معلوم شد ولیعهد نیز، مانند شاه، فلانی‌هایی دارد. امیر نظام با مشاهده هیجان مردم، تصمیم گرفت شدیداً اقدام کند. بنابراین، کسان خود را به خانه بزرگترین و طماعترین و مقتدرترین محترکین، یعنی، نظام‌العلماء مجتهد اول تبریز که قریب هفتاد هزار خروارگندم در انبارش داشت، فرستاد. آدمهای نظام‌العلماء شروع به تیراندازی نموده زدوخورد خونین در گرفت و در نتیجه ۱۶-۱۵ نفر کشته شدند.

در این وقت، امیر نظام به‌سربازان دستور حمله داد و سربازان خانه نظام‌العلماء را غارت کردند؛ من جمله گندمها هم به‌غارت رفت.»<sup>۶</sup>

۱. همان. ص ۲۳. ۲. همان. ص ۲۴.

۳. ۴. ۵. همان. ص ۲۷-۲۵.

۶. خاطرات کلنل کاساکوفسکی. ترجمه عباسقلی جلی، ص ۲۵۲.



# فصل سوم

وضع عمومی شهرها در قرون وسطی

[www.Bakhtiaries.com](http://www.Bakhtiaries.com)



[www.Bakhtiaries.com](http://www.Bakhtiaries.com)

1. Muzeh  
 2. Kalleh-rooyeh  
 3. Fakhriyeh  
 4. Muzeh-ye-Khaleh  
 5. Muzeh-ye-Khaleh  
 6. Muzeh-ye-Khaleh  
 7. Muzeh-ye-Khaleh  
 8. Muzeh-ye-Khaleh  
 9. Muzeh-ye-Khaleh  
 10. Muzeh-ye-Khaleh

ISEFAHAN





حمله اعراب به مسالک شرق نزدیک، بطور سوقت، به رشد طبیعی و آبادانی شهرها و فعالیت‌های گوناگون اقتصادی مردم لطمه زد، ولی پس از خاموش شدن جنگ، بار دیگر بین مرکز خلافت و مسالک شرق نزدیک روابط اقتصادی و اجتماعی وسعت گرفت چون شهر یک پدیده اقتصادی، و مولود توسعه و تکامل فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و تجارست در این کتاب از خصوصیات اقتصادی و اجتماعی شهرهای ایران نیز سخن می‌گوییم.

**مشخصات شهرها**  
 «در شهرها و بلاد بعد از اسلام، چند قسمت مشخص دیده می‌شد؛ یکی قسمت ارگ که محل قصور سلاطین و امرای وقت بود و بنام «کهندز» خوانده می‌شد و با برجها و دیوارهای قطور از سایر نقاط مشخص می‌شد. دوم، قسمتی که مسکن توده مردم و بعنوان شهرستان یا شادستان یا مدینه نامیده می‌شد. سوم، قسمتی که بازارها و عمارات نوینباد در آن قرار گرفته بود و به اسم «دبخی» معروف بود. شهرستان و ریض نیز برای حفاظت خود از حملات احتمالی غارتگران و فئودالها، بوسیله دیوارهای عظیم و برج و باروها حفاظت می‌شد. فرخی گوید:

کاخها بینم پرداخته از محتشمان همه یکسر ز ریض برده به شارستان بار  
 دروازه‌های هر شهر، بر حسب جمعیت و موقعیت اقتصادی و نظامی، کم یا زیاد بود. هر دروازه به جاده‌ای که به یکی از شهرهای آباد منتهی می‌گردید مربوط بود. همیشه در نزدیکی دروازه‌ها، عده‌ای به دیده بانی و مواظبت شهر مشغول بودند.

ملک الشعراى بهار، ضمن بحث در پیرامون شادستان، می‌گوید: «در قادیخ میستان، این لغت، مکرر و بطرز صریح و روشن، به معنی نفس شهر یعنی د کاکین و خانه‌ها که برگرد ادگ باقهندز ساخته باشند، آمده و می‌رساند که غالباً پیرامون شارستان برج و حصار بوده و در حقیقت، هر چه در اندرون حصار یک شهر بوده است شارستان می‌گفته‌اند و آنچه از حصار بیرون بوده است آن را دبخی (بفتحین) می‌نامیده‌اند و گاه بوده است که برگرد ریض هم باز حصارى می - کشیده‌اند، اما غالباً حومه شهر که ریض باشد، بیرون حصار و خارج شارستان بوده است و هیچوقت از شارستان در کتب و دواوینی که دیده شد، بلوک و قری یا ناحیه نخواستند؛ متجمله قادیخ میستان گوید: «آمدن لشکر غزنین بیای شارستان سیستان و حصار گرفتن امیر موید شارستان را، و این نوبت آنجا بنشستند و مردمان را در شهر پشردند.» در جای دیگر گوید: آنچه در ذات